

نامه جامعه  
فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی  
سال هفدهم - شماره ۱۳۰ - تابستان ۱۳۹۸

## نقش مستضعفان در برقراری حکومت جهانی بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

پریسا صدیقی<sup>۱</sup>

### چکیده

باور به حکومت جهانی منجی از اشتراکات بین ادیانی است. در قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی تاکید خاصی بر مستضعفان به عنوان مهم‌ترین نیروها جهت زمینه‌سازی برای تشکیل و تداوم حکومت جهانی بقیة الله الاعظم شده است. باور به حکومت جهانی حضرت مهدی عج چشم‌اندازی نو و امیدوار کننده را در پیش چشم انسان‌هایی قرار خواهد داد که سالیان متمادی در نقاط مختلف جهان از جمله فلسطین، نیجریه، سوریه، یمن، ایران و... به عنوان مستضعفان آخرالزمانی تحت شدیدترین فشارها از جانب جبهه استکبار قرار گرفته‌اند. در نوشتار حاضر به روش تحلیلی-توصیفی نقش مستضعفان که در تقابل فرهنگی آخرالزمان بیشترین تاثیر را برای رسیدن به این افق روشن دارند، تبیین شده است. صبر و استقامت، خودآگاهی، بسیج اراده‌های عمومی، مبارزه با ضدفرهنگ‌ها در عرصه مهدویت، اطاعت محض از امام و کمک به ایشان در اداره حکومت و خلق قدرت انگیزشی برای رسیدن به یک افق مشترک که همان حکومت جهانی حضرت مهدی عج است، اقداماتی است که مستضعفان برای رسیدن به حکومت الهی می‌توانند انجام دهند. **واژگان کلیدی:** مستضعفان، مستکبران، حکومت جهانی، حضرت مهدی عج.

۱. سطح دو جامعه الزهراء عج، دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی معارف دانشگاه معارف قم sedighi93@gmail.com

## مقدمه

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف ادیان الهی در طول تاریخ، برقراری حکومت صالحان و تشکیل جامعه آرمانی است. جامعه‌ای که در آن، افراد به‌دور از هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی، به رشد و تعالی وعده داده شده در این ادیان خواهند رسید. باور به برقراری چنین حکومتی در زمین، چشم‌اندازی نو و امیدوارکننده را فراروی افرادی ایجاد می‌کند که سالیان متمادی در نقاط مختلف جهان مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. از بشارت‌های مکتب اسلام نیز تشکیل تمدنی جهانی و فراگیر (نور: ۵۵) برای سعادت حقیقی بشر در آخرین برهه از تاریخ معرفی شده است. در این راستا، قرآن نیز مولفه‌ها و راهکارهایی برای به ثمرنشدن و زمینه‌سازی تحقق حکومت آخرالزمانی مشخص کرده که از آن جمله می‌توان به تبیین نقش‌های افراد در اشاعه زیرساخت‌های این حکومت جهانی اشاره کرد. در نگرش الهی، پایان تمدن بشری که در انحصار اراده و تدبیر خداوند قرار دارد، از مجرای اراده‌های انسانی تحقق می‌یابد و مشیت الهی که بر کل تاریخ بشر حاکم است، بر آن تعلق گرفته که انسان‌ها با اراده خود مسیر تاریخ را مشخص کنند، چنان‌که قرآن می‌فرماید: سرنوشت هر قوم و ملتی نیز تنها به دست خود ایشان رقم خواهد خورد (رعد: ۱۱). از نظرگاه قرآنی، این اراده، با حکومت صالحان تحقق خواهد یافت و فرجام تمدن بشری به‌گونه‌ای ترسیم شده که کسانی که در دنیا به استضعاف کشیده شده‌اند، وارثان زمین خواهند بود (قصص: ۵). مستضعفان که در این نگاه، در مواجهه با مستکبران تعریف می‌شوند، افراد باایمان و صبوری هستند که از حق متابعت کرده و مورد ظلم و ستم سران کفر، باطل و مستکبران واقع شده‌اند (اعراف: ۷۵). مستکبران نیز افراد کفرپیشه‌ای (اعراف: ۷۶) هستند که از روی لجاجت و سرکشی (نساء: ۱۷۳) در طول تاریخ، جریان حق را با انواع تحریم‌ها و فشارها مورد ظلم قرار داده، در راستای تضعیف این جریان حرکت کرده‌اند. قرآن نیز با توجه به آیه ۵ سوره قصص، فرجام رویارویی و ستیز تاریخی حق و باطل را پیروزی جریان مستضعفین می‌داند؛ لذا در آینده روشنی که در «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» وعده داده شده، مستضعفان از نقش‌های متعددی برخوردارند و نقش موثری در تشکیل حکومت حق دارند. در نوشتار حاضر به این سوالات

۱. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

پاسخ داده خواهد شد که با توجه به آیات قرآن کریم، ویژگی‌ها و نقش‌آفرینی مستضعفان به‌عنوان زمینه‌سازان و پرچمداران این حرکت در بزرگترین تحول تاریخی در آخرالزمان، که حکومت جهانی بقیه الله الاعظم است، چگونه ترسیم شده است؟ حرکت تاریخی مستضعفان برای به ثمرنشتن کلمه حق و حاکمیت الهی در قرآن در چه ابعادی صورت گرفته است؟ و اساسا مستضعفان برای رسیدن به این افق تمدنی روشن چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند؟

موضوع مستضعفین و حکومت حضرت مهدی (عج) از جمله موضوعاتی است که مورد توجه نویسندگان زیادی قرار گرفته است. برای نمونه، می‌توان مقاله «ابعاد جامعه‌شناختی استضعاف و آینده مستضعفان در قرآن کریم» نوشته غلامرضا بهروزلک انتشار یافته در فصلنامه انتظار در سال ۱۳۸۵ را نام برد که ابعاد اجتماعی مستضعفان و آینده آنان را مورد توجه قرار داده است. مقاله دیگر، «واکاوی جریان مستضعفان در قرآن» نوشته محمدمهدی حائری پور انتشار یافته در فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در سال ۱۳۹۳، از جمله مطالعاتی است که به موضوع مستضعفان پرداخته و جریان استضعاف را در طول تاریخ در اقوامی همچون قوم صالح، شعیب، بنی اسرائیل و مسلمانان صدر اسلام به اختصار بررسی کرده است؛ لکن آن چه در این آثار موجود به آن توجه نشده، نقش این جریان در تحقق حکومت آخر الزمانی است و این‌که این جریان در طول تاریخ چگونه در تحقق وعده الهی برای پیروزی و حاکمیت جبهه حق نقش‌آفرینی کرده است که در نوشتار حاضر به آن پرداخته خواهد شد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

برای شناسایی نقش مستضعفان در برقراری حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، بازشناسی مفاهیمی همچون مستضعفان و مستکبران در فرهنگ قرآن ضرورت دارد:

### ۱.۱. سازه معنایی مستضعفان

استضعاف از ریشه «صَعْفُ» و «صُعْفُ» به معنای خلاف نیرومندی (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۸۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۶۲ و فیروزآبادی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۲۳) آمده است. برخی صَعْف را ناتوانی

در رأی و عقل و ضَعْف را به معنای ناتوانی در جسم (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۸۱ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۶۲) معنا کرده و برخی هیچ تفاوت معنایی در آن دو لحاظ نکرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۶۲). استضعاف در دو معنای «ضعیف یافتن» یا «ضعیف شمردن» و «به ضعف کشاندن» آمده و کسی را که ناتوان می‌شود، ضعیف می‌دانند و این ضعف، گاه در بدن، نفس و گاه در حال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۶ و ۵۰۷). در مصباح المنیر نیز برای استضعاف، دو معنای «ناتوان دیدن» و «ناتوان کردن» ذکر شده است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹). ابن اثیر در معنای مستضعف می‌نویسد: مستضعف کسی است که دیگری او را ضعیف کرده و به سبب فقر و بیچارگی بر او قلدری و گردن‌کشی می‌کند. (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۸۸)

### ۱.۱.۱. کاربرد قرآنی استضعاف

با توجه به کاربرد واژه «استضعاف» در برابر «استکبار» در قرآن کریم، این پدیده غالباً در برابر نوعی برتری طلبی نمایان می‌شود. هرچند این واژه در قرآن کریم نیامده، اما مشتقات آن در مجموع، ۱۳ بار به کاررفته که ۸ مورد آن به صورت فعلی و در قالب واژه‌های استضعفوا (اعراف: ۷۵، قصص: ۵، سبأ: ۳۱-۳۳)، استضعفونی (اعراف: ۱۵۰)، یستضعفون (اعراف: ۱۳۷)، یستضعف (قصص: ۴) و ۵ مورد دیگر به صورت اسم مفعول و با عنوان مستضعفین (نساء: ۷۵، ۹۷، ۹۸ و ۱۲۷) و مستضعفون (انفال: ۲۶) به کار برده شده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۰۳)

### ۱.۱.۲. اقسام مستضعفین

برخی از مفسران، تقسیماتی را برای مستضعفان بیان کرده‌اند که مستضعف فکری و فرهنگی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶-۷ و مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۲۰)، مستضعف اقتصادی (سبأ: ۳۱) و مستضعف سیاسی (قصص: ۴) از آن جمله است؛ اما بیشترین تاکید قرآن کریم روی مستضعفان فکری، فرهنگی و سیاسی است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۱۹-۲۰). چنان‌که بیان شد ضعف و ناتوانی در قدرت، یکی از تعاریف لغوی مستضعف به شمار می‌رود و منظور از مستضعف کسانی هستند که هرچند از نیروهای بالقوه و بالفعل برخوردار هستند، اما به دلیل فشار و سلطه‌ای که از جانب جبهه استکبار صورت می‌گیرد، از ضعف برخوردارند (قصص: ۴). آنها در عین حال از هیچ تلاشی برای از بین بردن حصارهای تنگ ظلم و استبداد ظالمان و جباران و برپایی آیین حق و عدالت فرو

نمی‌نشینند (طه: ۲۴-۲۸ و ۴۳-۴۷) و خداوند نیز به چنین گروهی وعده یاری حکومت در زمین داده است (قصص: ۵).

## ۱.۲. سازه معنایی مستکبران

استکبار از ریشه «ک ب ر» به معنای خود بزرگ بینی بیش از مقدار (خود بزرگ بینی دروغین) و ترک اذعان به حق (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۹)، امتناع از پذیرش حق از روی کفر و دشمنی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۳) و به معنای برتری خواهی (مصطفوی، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۱۸) است. استکبار گاهی با حرف «عن» به معنای روگردانیدن و پشت کردن آمده و گاه با حرف «علی» و به معنای گردن‌کشی و تجاوز به حقوق دیگران ذکر شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۶۵). این واژه و مشتقات آن، ۴۸ بار در قرآن کریم آمده که ۴ مورد آن به استکبار ابلیس و بقیه به استکبار انسان اشاره دارد (همان). این واژه در قرآن کریم گاه با الفاظ دیگر به کار برده شده و مترادف و هم‌معنا است؛ همچنان که گاه با واژه‌هایی چون «تَصَعَّر» به معنای تکبر و خودپسندی و «مَرَح» یعنی شادی بیش از اندازه و از روی غرور اطلاق می‌شود. همچنین واژه‌هایی چون عالی (ص: ۷۳-۷۵)، «بغی» (شوری: ۲۷، قصص: ۷۶-۷۷، یونس: ۹۰)، «بطر» (قصص: ۵۸، انفال: ۴۷)، «عتو» (فرقان: ۲۱، طلاق: ۸، اعراف: ۱۶۶) و «طغیان» (بقره: ۱۵، مائده: ۶۴، کهف: ۸۰) از واژه‌هایی به شمار می‌روند که مترادف با استکبار هستند و در آیات متعددی در قرآن به معنای استکبار به کار می‌روند.

## ۲. اصالت حکومت جهانی در آخر الزمان

از ویژگی‌های ادیان الهی، باور به منجی موعود است و از خصوصیات مهم این منجیان، برنامه‌ای است که هم برای زمان حال و هم آینده پیروان خود ترسیم کرده‌اند (کارگر، ۱۳۹۲، ص ۳۰۶). در بین ادیان الهی و بشری، تنها برخی از موعودها ماموریت جهانی دارند و تنها منجی جهانی که برای اداره کل مردم و مناطق جهان، برنامه جهانی در ابعاد گوناگون معنوی و اجتماعی ارائه می‌دهد و حکومت و امت جهانی را تشکیل می‌دهد، مهدی موعود شیعی است (همان، ص ۳۰۷). حرکت و روند عمومی جهان نیز حاکی از ناکارآمدی مکاتب گوناگونی است که

بر اساس سرمایه‌داری غربی و ترویج از خودبیگانگی و پوچ‌گرایی پدید آمده و در روایات نیز به این افول و ناکارآمدی اشاره شده است؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: امر ظهور حضرت مهدی واقع نمی‌شود مگر پس از آن‌که هر طبقه‌ای به حکومت برسند و دیگر طبقه‌ای در روی زمین باقی نباشد که حکومت نکرده باشد تا دیگر نتواند کسی ادعا کند که اگر زمام امور به دست ما می‌رسید عدالت را پیاده می‌کردیم (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۷۲). حکومتی واحد و جهانی که در منابع مختلف اسلامی نیز با عناوینی گوناگون از جمله دولت جهانی، دولت صالحان (انبیاء: ۱۰۵) دولت مستضعفان (قصص: ۵) و .... به آن اشاره شده است.

در حقیقت، سرانجام تاریخ بشری بر اساس تحقق وعده الهی در آخر الزمان، با ظهور حکومت صالحان و دین واحد جهانی که وعده قرآن است (فتح: ۲۸، انبیاء: ۱۰۵) و با به‌وجود آمدن ملت واحد جهانی که در پی آگاهی و بلوغ اجتماعی حاصل می‌شود، رقم خواهد خورد. در روایات نیز به این وعده الهی اشاره شده است. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند که می‌فرماید: هو الذی ارسل رسوله بالهدی، می‌نویسد: آیه درباره قائم آل محمد است و او امامی است که خداوند او را بر همه کیش‌ها غالب گرداند و او زمین را از عدل و داد پر کند، همچنان‌که از ظلم و ستم پر شده باشد. (قمی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۱۷)

### ۳. کنش تاریخی مستضعفان در برقراری حکومت صالحان در قرآن کریم

پیامبران، در طول تاریخ همواره در مواجهه با استکبار قرار داشته‌اند و سنت الهی بر این تعلق گرفته است که در جدال حق و باطل (رعد: ۱۷) این جبهه باطل است که نابودشدنی است (شوری: ۲۴)؛ لذا در این رویارویی، سنت حاکمیت صالحان بر اجتماعات بشری (اعراف: ۱۳۷، قصص: ۴-۵) را که همان حاکمیت مستضعفان است، در پی خواهد داشت. قرآن نیز از چگونگی تقابل مستضعفان بر مستکبران سخن گفته که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### ۳.۱. صبر و استقامت

از مهم‌ترین عوامل پیروزی جبهه حق بر باطل در دوره‌های متفاوت تاریخ، استعانت از خداوند

و صبر و استقامت در این راه است که نابودی حکومت‌های ستمگر و مستبد و جانشینی مومنان صابر را که همان مستضعفان هستند، با اراده و مشیت الهی در پی داشته است (اعراف: ۱۲۸). با نگاه به قرآن و تاریخ چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از اقوام که از مستضعفان جامعه به شمار می‌آمدند، در طول تاریخ از این ویژگی بهره‌مند بوده‌اند؛ چراکه به گفته قرآن، شرط پیروزی و حاکمیت صالحین بر روی زمین، صبر و استقامت در راه حق است. نوح از جمله انبیایی است که به همراه تعداد اندکی از پیروان مستضعف خود مورد ظلم و ستم مستکبران قومش قرار گرفت (هود: ۲۷ و ابراهیم: ۹)؛ اما پیروان ایشان با صبر و استقامت در مقابل مستکبران، سرانجام وارثان زمین شدند و این نصرت را به امید صبر و استقامتی که از خود نشان دادند، به دست آوردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۶). از دیگر اقوام، قوم ثمود است که فرستاده الهی یعنی صالح و پیروانش را به شکل‌های گوناگون آزار می‌دادند (نمل: ۴۵)؛ اما مستضعفان قوم ثمود که از ایمان به صالح منع می‌شدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۷) با ایستادگی که در برابر مستکبران داشتند، به تحقق وعده الهی مبنی بر حاکمیت صالحان یاری رساندند. قوم موسی نیز از موارد برجسته حرکت مستضعفان در این راستا است. استقامت و پایداری بنی اسرائیل برای قیام علیه فرعون و رهایی از اسارت مستکبران، شیوه‌ای است که قرآن از زبان موسی بیان می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۴۵ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۹۲-۲۸۷)

از دیگر نمونه‌هایی که قرآن (بقره: ۲۵۰) از آنان یاد کرده، برخی از مومنان بنی اسرائیل هستند که طالوت سرپرستی آنان را برای رویارویی با جالوت که از مستکبران بنی اسرائیل بود، برعهده گرفت تا آنان را از استضعاف خارج کند (میددی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۶۰). لشکر طالوت با این‌که از نظر تعداد بسیار اندک بودند، اما با استعانت از خداوند و اتکا به صبر و استقامت، لشکریان جالوت را شکست دادند. (فخر رازی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۵۱۴ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۱۹)

همچنین تلاش‌هایی را که مسلمانان صدر اسلام در دعوت همگانی پیامبر ﷺ از خود نشان دادند و افرادی همچون عمار، یاسر، سمیه، بلال و صهیب با پایداری در برابر آزار دشمنان تا پای جان خود ایستادگی کردند (ابن اسحاق، ۱۳۶۸، ص ۱۸۹-۱۹۱ و جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۳۳۹)، در حالی که مشرکان سعی داشتند مستضعفین جامعه اسلامی را شکنجه کنند (شهیدی، ۱۳۷۸، ص ۵۱ و

زرگری نژاد، ۱۳۸۱، ص ۳۰)، از نمونه‌های ایستادگی و صبر مستضعفان در راستای شکل‌گیری تمدن عظیم اسلامی به شمار می‌رود.

افزون بر آن، صبر و استقامت مستضعفین در تحمل رنج هجرت از مکه به حبشه در راستای فراهم شدن شرایط لازم برای تحقق حاکمیت الهی و نیز تحمل محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب که در آن جریان، مسلمانان در سخت‌ترین شرایط قرار داشتند، از دیگر جلوه‌های ایستادگی مستضعفان صدر اسلام است (منتظرالقائم، ۱۳۹۱، ص ۶۰). رشادت‌هایی که مسلمانان در این دوران سخت از خود نشان دادند، از جمله در حمله‌های ناگهانی قریش به دره ابوطالب، برخی از مسلمانان همچون امام علی علیه السلام را و می‌داشت تا در تمامی ساعات شبانه روز از رسول خدا صلی الله علیه و آله محافظت کنند (منتظرالقائم، ۱۳۹۱، ص ۶۰؛ دشتی، ۱۳۷۸، نامه ۹، ص ۳۴۷). در مقابل، مشرکان و کفار با انواع اقدامات خود سعی کردند عرصه را بر مسلمانان تنگ کنند، اما مسلمانان با صبر و استقامت توانستند در مقابل آزار و اذیت کفار ایستادگی کنند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در انتشار اسلام و فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای ایجاد تمدنی عظیم یاری رسانند.

### ۳،۲. اقدامات فکری و فرهنگی

از جمله عرصه‌های تقابلی مستضعفان، حرکت اصلاحی حضرت موسی علیه السلام در زمینه پالایش فکری و فرهنگی بنی اسرائیل است که در قالب مبارزه با تفرقه و پیراستن جامعه از فتنه فرهنگی سامری صورت می‌گرفت. این مبارزه در برابر اقدامات تفرقه‌انگیزانه ای انجام می‌شد که فرعون برای القای اختلاف و شکاف در بین گروه‌های مختلف بنی اسرائیل و از بین بردن وحدت به انجام می‌رساند و سعی داشت نیروهای فعال جامعه را در مقابله با سلطنتش ضعیف کند (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ص ۱۵۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۱۱). از سوی دیگر، موسی علیه السلام تلاش کرد با تشکیل امت واحده و آگاه‌ساختن مردم، آنان را در راستای نجات از حاکمیت مستکبران یاری رساند. همچنین موسی در مبارزه با فتنه سامری، که مظهر بدعت دینی و فتنه فرهنگی بود (طه: ۸۸) با فرمانی قاطع، او را از جامعه طرد کرد و به انزوای مطلق کشاند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۸۷) و از حضور در اجتماع و ارتباط طبیعی با مردم محروم ساخت



(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۷۵). به این ترتیب، جامعه نوپای بنی اسرائیل را که به دلیل غیبت موسی و جهالت و رذایلی که آن قوم به آن دچار بودند، از افکار مسموم افرادی چون سامری که ریشه‌های فرهنگی و عقیدتی مردم را نشانه گرفته بودند، مصون نگه داشت و با زدودن جامعه از عوامل شرک و بت پرستی، زمینه را برای برپایی حکومتی بر پایه توحید و عدل الهی فراهم کرد. مبارزه با نژادپرستی در صدر اسلام از دیگر عرصه‌هایی است که مستضعفان توانستند با تجهیز خود در صحنه فرهنگی، به دستاوردهای شگفتی در آن زمینه دست یابند. شاهد این امر، اقدامات رسول خدا ﷺ در پایه‌ریزی بنای عظیم تمدن اسلامی بود که بردگان و مستضعفان جامعه اسلامی، به‌عنوان حقیرترین و مطرودان جامعه، نقش غیر قابل انکاری در دستیابی به این موفقیت بی‌نظیر ایفا کردند. سلمان فارسی، صهیب رومی و بلال حبشی از جمله بردگان آزاد شده‌ای بودند که از نظر عرب آن روز، نژادی پست داشتند؛ اما با اقدامات پیامبر ﷺ، آنان در شمار بزرگان جامعه قرار گرفتند و هر کدام، جایگاه و نقش مهمی در پیشبرد اهداف الهی بر عهده گرفتند. (جعفری، ۱۳۹۴، ص ۱۶۵-۱۶۶)

ایجاد پایگاه‌های تبلیغی و اعزام مبلغان برای گسترش اسلام از سوی مستضعفان در راستای ساماندهی و تمرکز بخشی فعالیت‌های تبلیغی در دوران دعوت پنهانی، از دیگر عرصه‌های تحول بخشی مستضعفان در زمان پیامبر ﷺ است. یکی از این پایگاه‌ها که مسلمانان نخستین، برای آموزش‌های قرآنی از آن مکان استفاده می‌کردند، خانه ارقم بن ابی ارقم بود. وی یکی از یاران پیامبر اکرم ﷺ به‌شمار می‌رفت که پس از پذیرش دین اسلام، خانه خود را در اختیار پیامبر و یارانش قرار داد و افراد زیادی در این خانه دین اسلام را پذیرفتند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۱۸). همچنین فعالیت‌های تبلیغی که از سوی مبلغان برای گسترش اسلام در نقاط مختلف صورت می‌گرفت، از جمله کارهایی بود که مسلمانان برای پیشبرد تمدن بزرگ اسلامی انجام می‌دادند. این فرستادگان، گاه حامل پیام دعوت اسلام بودند و زمانی نیز مأمور ارشاد و تعلیم ایمان‌آوردگان. این فعالیت‌های تبلیغی و تعالیم سازنده افرادی چون مصعب، معاذ بن جبل و عمرو بن حزم تا جایی بود که پس از پیمان عقبه اول و همچنین روشنگری در میان مردم مدینه و قبایل مختلف موجب شد تا نام رسول خدا روز به روز بیشتر بر سر زبان‌ها بیفتد و افراد زیادی

شیفته ایشان شوند. لذا این گروه تبلیغی توانستند پشتوانه اصلی پیامبر در بسط ندای اسلام در مدینه و گسترش روزافزون دعوت اسلامی باشند (همان، ص ۱۱۹). از آن چه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت مسلمانان صدر اسلام هرچند از نظر تعداد و نفرات و همچنین موقعیت اجتماعی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نبودند، اما از تمام توان خود برای پیشبرد اهداف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای گسترش و همگانی‌کردن اسلام استفاده کردند.

### ۳،۳. تقویت بنیان‌های اقتصادی جامعه و مبارزه با مفسدان اقتصادی

ایجاد برنامه توسعه اقتصادی مدون برای شکوفایی اقتصاد مسلمانان و همچنین ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی برای پیشرفت مسلمانان در جزیره العرب، از جمله اقداماتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای از بین بردن مشکلاتی که قشر ضعیف جامعه با آن درگیر بودند انجام داد (منتظر القائم، ۱۳۹۱، ص ۱۹۸). همچنین در راستای برقراری عدالت اقتصادی در جامعه، اصل برابری و مساوات را در توزیع بیت المال حاکم کرده بود (همان، ص ۱۹۹). از دیگر اصول حاکم بر سیاست اقتصادی و مالی در صدر اسلام، عدم تمرکز ثروت بود تا سرمایه‌ها در اختیار اقلیتی از افراد قرار نگیرد و موجبات طغیان گروهی را فراهم نکند و در پی آن، اختلاف طبقاتی و انحصار ثروت در طبقه‌ای خاص موجب پیدایش اکثریتی تهیدست در جامعه گردد. (همان، ۲۰۰)

همچنین در زمان موسی علیه السلام، مبارزه با مفسدان اقتصادی از اقداماتی بود که توانست تحول عظیمی را در بین قوم بنی‌اسرائیل برای حاکمیت الهی ایفا کند. در همین راستا، موسی علیه السلام با صاحبان زر و سیم و مفسدان اقتصادی زمان خویش به مبارزه برخاست. قارون که یکی از این مفسدان به‌شمار می‌رفت و بر اساس آیات الهی، نماد ثروت و رفاه اقتصادی بود، به دلیل عداوتی که با موسی و پیروان او داشت، از روی بی‌عدالتی، با فشارهایی که فرعون بر بنی‌اسرائیل وارد می‌کرد، همراهی می‌کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۹۷) (غافر: ۲۵). عده‌ای از مومنان بنی‌اسرائیل، که همان مستضعفان بودند، سعی داشتند از طریق آگاهی‌دادن و موعظه، او را از عوامل طغیان دور سازند و به انفاق و احسان در راه خدا دعوت کنند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۷۳-۷۱ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۱۲-۱۱۰). همچنین خداوند موسی علیه السلام را برای مقابله با او، که از عوامل فتنه و

فساد به شمار می‌رفت، فرستاد و حضرت با استمداد از خداوند و منطق و استدلال روشن، به مبارزه با طاغوت اقتصادی قارون برخاست (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۲۵۲). بنابراین چه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که ابتدا مستضعفان بنی‌اسرائیل سعی کردند با اقدامات فرهنگی در برابر فساد و طغیان قارون، او را در مسیر درست که همان توجه به خدا و آخرت است، راهنمایی کنند و در انتها نیز حضرت موسی به مقابله با او پرداخت. حضرت نیز با منطق و استدلال روشن و صحیح سعی کرد او را از مسیر غلط دور سازد. در حقیقت، از ابزار علم و فرهنگ برای مبارزه با ضد فرهنگ بهره بردند.

#### ۴. نقش آفرینی مستضعفان آخر الزمانی در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

به نظر می‌رسد با توجه به آیه ۵ سوره قصص<sup>۱</sup>، مستضعفان، که جانشینان الهی بر روی زمین هستند، همان بندگان صالحی‌اند که زمین را به ارث خواهند برد (انبیاء: ۱۰۵) و این معنی با تامل در آیات الهی، که بیانگر ویژگی‌های مستضعفین است، فهمیده می‌شود. قرآن، آنان را افرادی مومن به خدا و معتقد به فرستاده الهی (اعراف: ۷۵ و ۱۵) معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، بندگان صالحی که در سوره انبیاء به عنوان جانشینان روی زمین معرفی شده‌اند، با مستضعفین در آیاتی همچون ۷۵ و ۱۵۰ سوره اعراف، از ویژگی‌های مشترکی برخوردار هستند. از سوی دیگر، روایات ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را همان بندگان صالح در آیه می‌داند (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۳۶۱؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۶۴ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۵۸). همچنان‌که در روایتی از امام باقر علیه السلام در ذیل همین آیه می‌فرماید: «آن‌ها اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان هستند». در تفسیر قمی نیز بندگان مورد اشاره در ذیل همین آیه، همان یاران امام زمان عنوان شده‌اند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۷). مفاد روایات نیز بار سنگین زمینه‌سازی و نقش آفرینی در تشکیل و تداوم حکومت جهانی بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر عهده انسان‌های مومنی می‌داند که از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می‌آیند.

۱. وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

از آن چه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت بخشی از این وظیفه بر عهده مستضعفان است که به‌عنوان بخشی از جامعه جهانی، از بندگان صالح خداوند محسوب می‌شوند. این نقش‌آفرینی می‌تواند در دو حیطة پیشا‌ظهور و پسا‌ظهور مورد بررسی قرار گیرد که از آن به زمینه‌ساز و شتاب‌زا تعبیر شده است و در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

#### ۴.۱. نقش زمینه‌ساز

زمینه‌سازی در لغت به معنای به وجود آوردن مقدمات انجام امری است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۸۷۷) و در عرصه مطالعات مهدوی، مجموعه تلاش‌ها و رفتارهایی که در فراهم‌آوردن مقدمات فرج تاثیر دارد، به «زمینه‌سازی ظهور» تعبیر می‌شود. همچنین منظور از زمینه‌سازی، رسیدن به ظرفیت‌ها و مهیا کردن اسباب و علل ظهور است؛ به‌گونه‌ای که زمینه را برای ظهور و تعجیل در فرایند آن و خروج امام از پرده غیبت مهیا می‌کند تا ایشان بتواند حرکت خود را آغاز و حاکمیت جهانی‌اش را تحقق بخشد. در روایات نیز از واژه «یوطئون» به معنای زمینه‌سازی استفاده شده که از مصدر «وطأ» به معنای فراهم کردن زمینه‌های چیزی به صورت کامل، هموار کردن راه از هر جهت و بر آن تسلط داشتن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۲۰)

بی‌شک، تشکیل حکومت جهانی با آن عظمت و شکوه، بدون فراهم ساختن زمینه‌های لازم بعید به نظر می‌رسد و طبیعی است که برای شکل‌گیری چنین تحول بزرگی در عرصه جهانی، ایجاد چند نوع آمادگی ضروری است:

۱. آمادگی فکری و فرهنگی به معنای بالابردن سطح افکار مردم تا جایی که فراتر از مرزهای نژادی و جغرافیایی بیاندیشند؛ چرا که در حکومت جهانی حضرت حجت، افراد با توجه به ارزش‌های الهی سنجیده خواهند شد نه ارزش‌های مادی؛
۲. آمادگی اجتماعی به معنای خستگی مردم دنیا از ظلم و ستم نظام‌های موجود و یأس و ناامیدی و عدم توانایی در حل مشکلاتی که - با توجه به روایات، جامعه قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - با آن سروکار دارد؛
۳. آمادگی فردی به این معنا که حکومت جهانی با توجه به روایات زمینه‌سازی ظهور، قبل

از هر چیز، نیازمند عناصر آماده و باارزش انسانی است تا بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را به دوش بکشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۸۰-۸۳ و عرفان، ۱۳۹۳، ص ۲۰۴-۲۰۵). بر اساس آیات الهی و سنت‌های تاریخی قرآن کریم، هرگونه تغییر و تبدیل سرنوشت جامعه انسانی، با اراده و خواست خداوند محقق خواهد شد و اراده و خواست الهی در راه ایجاد تغییر و بروز مانع، نقش مستقیم دارد. همچنین با توجه به این‌که حرکت تاریخ، جبری نیست، این تغییر و تحولی که از سوی خداوند صورت می‌گیرد، نیاز به زمینه‌سازی و مقدماتی دارد که در اختیار انسان است و با تحقق آن مقدمات، تغییر نیز محقق می‌شود (رعد: ۱۱) (عرفان، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵). از سویی دیگر، برای تغییر در یک جامعه، افراد آن اجتماع نیز باید تغییر و تحول درونی داشته باشند و چنین تغییری با بروز تحول و دگرگونی در اکثریت افراد آن جامعه حاصل خواهد شد؛ لذا ایجاد تغییر در اکثریت جامعه جهانی، ظهور حضرت را در پی خواهد داشت. (سبحانی، ۱۳۸۸، ش ۱۱، ص ۲۷)

در ادامه، بخشی از نقش‌های زمینه‌ساز مستضعفان در مهیاشدن زمینه‌های لازم برای برقراری حکومت حضرت علیه السلام بیان خواهد می‌شود:

#### ۴،۱،۱. فردی

جامعه مستضعف قبل از ظهور، از شاخصه‌های متعددی در نگرش، سلوک فردی و ارزش‌های اجتماعی برخوردار است که اتکاء این ارزش‌ها بر پایه ارزش‌های متعالی اسلام، جامعه را تعالی‌جو، تحول‌طلب و مهیای ظهور بار می‌آورد (عرفان، ۱۳۹۳، ص ۲۰۴). در این میان، خودسازی فردی، از اولین پایه‌های یک جامعه مهیای ظهور است و مستضعفان به عنوان زمینه‌سازان ظهور، تا زمانی که در این زمینه مجهز نشوند، در سایر عرصه‌های اجتماعی نیز نمی‌توانند به موفقیت دست یابند.

#### - خودسازی

چنان‌که پیشتر نیز بیان شد، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام قبل از هر چیز به عناصر آماده و باارزش انسانی نیاز دارد تا بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشد و لازمه آن نیز بالابردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده‌کردن آن برنامه عظیم است. از عوامل زمینه‌ساز در ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز ایجاد

آمادگی‌های لازم در رفتار و سلوک شخصی است؛ چرا که نمی‌توان منتظر ظهور بود، اما در عمل، دغدغه اهداف ظهور را نداشت. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: هرکس آرزو دارد که از جمله اصحاب حضرت قائم به‌شمار آید، باید منتظر او باشد و در این حال انتظار، با تقوا و اخلاق نیک رفتار کند. پس جدی باشید و در آراستگی اخلاقی و رفتاری خود پافشاری کنید و منتظر فرج باشید. گوارا باد بر شما این انتظار و چشم به‌راهی، ای گروه و اهل رحمت و نجات (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰). بر این اساس، مستضعفان همان مومنان صالحی هستند که در راستای تقابل با جبهه استکبار و زور به پا خواهند خواست تا در سایه حکومت حضرت، زمینه‌های رشد و بالندگی را در عرصه‌های گوناگون فراهم کنند. اینان نخست باید زمینه‌های لازم را در وجود خود فراهم کنند تا بتوانند این بار سنگین اصلاحی را به سرانجام برسانند.

تا زمانی که یاران امام زمان به بصیرت و شناخت لازم نسبت به امام خود دست نیابند، نخواهند توانست ایشان را در تشکیل حکومت جهانی یاری رسانند. چنان‌که در روایتی از امام صادق علیه السلام در توصیف یاران امام زمان می‌فرماید: گویا دل‌های آنان مشعل نورانی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۰۷). مراد از آن، همان بصیرت و شناخت زمینه‌ساز خودسازی است.

### - خودآگاهی تمدنی

خلق قدرت‌انگیزی برای ایجاد تمدنی جهانی در آخرین برهه از تاریخ، نیازمند خودآگاهی تمدنی است. خودآگاهی تمدنی بدین معنا است که همواره در طول تاریخ، انبیا و مصلحان الهی از طریق آگاه‌ساختن و تجهیز نیروهای مستضعف جامعه توانستند در برابر جبهه باطل ایستادگی کنند و این مستضعفان بوده‌اند که در برهه‌های متفاوت تاریخ بشر به همراه مصلحان الهی، حاکمیت حق را به ثمر نشانده‌اند (اعراف: ۱۲۹-۱۳۷)؛ بر این اساس، مستضعفان آخر الزمانی با آگاهی از این اصل تمدنی و سنت الهی مبنی بر یاری مستضعفان (قصص: ۵) در ادوار گوناگون، خواهند توانست به نقش بی‌بدیل خود در ایجاد اضطرار و انگیزش اراده‌های فردی و اجتماعی برای تشکیل حکومت جهانی بقیه الله الاعظم پی‌برده و با آگاهی از ظرفیت‌های فراوان مستضعفان در طول تاریخ، از این ظرفیت‌ها در راستای پیروزی جبهه حق استفاده کنند. بنابراین اگر مستضعفان عالم که از نظر تعداد، میلیون‌ها نفر را در جهان شامل می‌شوند و به دلیل نقشی که در زمینه‌سازی ظهور

دارند، به خودآگاهی تمدنی نرسند، بزرگترین خدمت را به جریان استکبار خواهند کرد و در تقابل جبهه باطل شکست خواهند خورد و در این صورت، ظهور حضرت عجل الله فرجه را به عقب خواهند کشاند.

#### ۴،۱،۲. اجتماعی

از آنجا که اجتماع انسانی از راه اراده‌های انسانی تحقق پیدا می‌کند، لذا در ادامه به نقش اراده‌های انسانی مستضعفان در تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه در آخرالزمان پرداخته خواهد شد:

#### - بسیج اراده‌های عمومی

به نظر می‌رسد پس از ایجاد زمینه‌های لازم در حیطه سلوک و رفتار فردی، لازم است تا این علل و اسباب در کل جامعه منتظر ظهور نیز مهیا و هموار شود تا شرایط برای تحقق ظهور و خروج امام از پرده غیبت فراهم گردد و حرکت خود را آغاز و حاکمیت جهانی‌اش را تحقق بخشد. با نگاهی به روایات مهدوی، درمی‌یابیم که بلوغ اجتماعی، از ویژگی‌های جامعه منتظر قبل از ظهور است و شاخصه‌های این بلوغ نیز عبارتند از: رغبت اجتماعی به معنای میل، اعتقاد و باور قلبی انسان‌ها به دولت جهانی حضرت مهدی، شکایت اجتماعی به مفهوم اعتراض و شکایت انسان‌ها به درگاه الهی به دلیل غیبت رهبر و سرپرست آنها و همچنین درخواست و استعانت همگانی از خداوند مبنی بر گشایش و نجات از وضعیت موجود که محروم بودن از حضور حجت خدا در میان امت است. جامعه منتظر قبل از ظهور، در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی از چنان رشد و بالندگی برخوردار خواهد بود که انگیزه تحول‌آفرینی قوی و گسترده‌ای را در فرد مسلمان ایجاد خواهد کرد و او را به سوی اصلاح عمیق و همه‌جانبه فرد و جامعه سوق خواهد داد که این ویژگی اسلام است. (عرفان، ۱۳۹۳، ص ۲۰۴-۲۰۳)

باید توجه داشت تا زمانی که مساله ظهور، اولویت اساسی مردم تلقی نشود، این رغبت و بسیج همگانی برای امر ظهور تحقق نخواهد یافت و لازمه این دغدغه، انس با حضرت، دعا برای تعجیل در فرج و تلاش و اقدامات زمینه‌ساز در این مسیر است. همچنین از دیگر الزامات ظهور، تبدیل این رغبت به رویکرد عمومی و حرکت به سمت استقبال از حکومت عدل جهانی است؛ چرا که تا زمانی که بشر به این رویکرد و باور نرسد که تنها راه نجات انسان، حرکت در

راستای برقراری حکومت عدل جهانی است، هرگز خود را برای پذیرش آن آماده نخواهد کرد. بنابراین، تغییر نگرش عمومی و آمادگی جهانی و ایجاد زمینه برای درک این اندیشه الهی در سطح جهان، مهم‌ترین وظیفه جامعه به استضعاف کشیده شده است. (صمدی، ۱۳۸۸، ش ۱۱، ص ۱۴-۱۵)

این اراده عمومی در طول تاریخ، زمینه را برای تشکیل حکومت‌های الهی فراهم کرده است؛ چنان‌که در زمان حضرت موسی، اراده عمومی مستضعفان بنی‌اسرائیل، که تحت شدیدترین فشارها از سوی جبهه استکبار قرار داشتند، زمینه را برای برقراری حکومت الهی حضرت موسی فراهم کرد. همچنین اراده عمومی مستضعفان صدر اسلام که در عرصه‌های مختلف، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای تشکیل بزرگترین تمدن اسلامی یاری رساندند، می‌تواند گواه بر نقش بی‌بدیل مستضعفان در آخرین برهه از تاریخ یعنی آخر الزمان برای زمینه‌سازی حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قلمداد شود.

چنان‌که بیان شد، مستضعفان از حیث کمی، میلیون‌ها انسان را در جهان شامل می‌شوند، لذا با بسیج اراده‌های عمومی و خلق جریان انگیزشی و هویت‌بخشی به این جریان در تقابل با مستکبران می‌توانند به سمت و سوی مطالبه عمومی حرکت کرده و زمینه را برای برقراری و شکل‌گیری تمدن و حکومت عدل جهانی بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم کنند.

### ۴،۱،۳. فرهنگی

اندیشه مهدویت، همانند هر اندیشه و فرهنگ دیگری، از آسیب‌ها و آفت‌هایی بی‌نصیب نمانده است؛ لذا زدودن این آسیب‌ها از وظایفی به‌شمار می‌رود که در تسریع برپایی حکومت صالحان نقشی اساسی دارد. چنان‌که موسی تمام تلاش خود را برای خالص ماندن اندیشه الهی در برابر انحرافات و فتنه‌های فرهنگی با اقدامات مختلف نشان داد. همچنین اقداماتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله برای زدودن خرافات از فرهنگ و اندیشه مردم زمان خود انجام داد، می‌توان گواه بر آن قرار داد. از طرفی، چنان‌که بیان شد بخشی از بار سنگین زمینه‌سازی ظهور بر عهده مستضعفان است که به‌عنوان بندگان صالح، از یاران و اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به‌شمار می‌روند. بنابراین پالایش فرهنگ مهدوی از خرافات و برداشت‌های ناروا، از اقداماتی است که زمینه‌سازان ظهور بر عهده دارند که برخی از آنها به شرح زیر است:



## - عوام زدگی و ملاقات‌گرایی

برداشت‌های سطحی با استفاده از مجموعه‌ای از روایات، بستن باب هرگونه تعقل و تدبیر در معارف مهدوی و پرداختن به نقل خواب و رویا و حکایت‌های ضعیف و بی‌اساس موجب شده است تا این عرصه، به این آفت‌ها و گزندها دچار گردد و منتظران ظهور را به خلوت‌نشینی و توسل برای تشریف خدمت امام عصر تشویق کنند. در نهایت نیز در صورت عدم ملاقات حضرت، دلزده و ناامید شده و از فرهنگ مهدوی رویگردان می‌شوند و به خرافات می‌گروند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸). بر این اساس، رویکرد افراطی به بحث ملاقات‌گرایی یکی از آسیب‌های عرصه مهدویت است.

### - طرح مباحث غیر ضروری و انحرافی

پرداختن و توجه به مباحث بدون اولویت و غیر ضروری نیز می‌تواند اندیشه مهدویت را با آسیب‌هایی همراه کند. از جمله:

#### یک- افراط و تفریط در تبیین شخصیت امام

ارائه تصویری نادرست و خشن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نشان دادن ظهور ایشان توأم با قتل و خونریزی، در نهایت، دلزدگی و عدم پذیرش امام را در پی خواهد داشت. از سویی دیگر، برخی نیز با تأثیرپذیری از اندیشه‌های التقاطی، هرگونه مجاهدت و مبارزه را نفی می‌کنند و دنبال حل تمام امور از طریق معجزه هستند و چهره‌ای منفعل از حضرت ارائه می‌دهند. (عرفان، ۱۳۹۳، ص ۲۲۸)

#### دو- برداشت‌های انحرافی از مقوله انتظار فرج

برخی بر این باورند نظر به این‌که روایاتی که جامعه آماده ظهور را مملو از ظلم و ستم بیان کرده‌اند، بنابراین باید جامعه به حال خود رها شود تا زمینه ظهور که دنیایی پر از ظلم و فساد است، فراهم آید. این عده، تشکیل حکومت در روزگار غیبت را باطل می‌دانند. بنابراین قانع بودن به وضع موجود، ناامیدی و احساس شکست در جامعه، فراگیر شدن ظلم و انفعال و بی‌تحركی در مقابل ظلم، از پیامدهای این برداشت انحرافی است (همان).

#### سه- پرداختن به مسائل بی‌ثمر

از جمله انحرافات در مقوله مهدویت، پرداختن به مباحث بی‌ثمری همچون: ازدواج امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، جزیره خضراء و چگونگی سیمای ایشان است؛ در حالی‌که معرفت امام، تبیین وظایف امام و امت،

شاخص‌های جامعه مستضعفان و بررسی و تبیین راهبردهای مستضعفان، از جمله مباحث مفید در این عرصه است. تعجیل در امر ظهور، توقیت (طوسی، ۱۴۲۵، ص ۴۲۶) و تطبیق‌گرایی از جمله آسیب‌های دیگری است که اندیشه مهدویت را مورد هجوم قرار داده است (همان). لازم به ذکر است که بسیاری از این آسیب‌ها، زمینه را برای پیدایش مدعیان دروغین فراهم می‌کند و مستضعفان و صالحان، که بار سنگین زمینه‌سازی ظهور را برعهده دارند، باید با تعمیق فکر و اندیشه در جامعه قبل از ظهور، شرایط را برای برقراری حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام فراهم آورند.

#### ۴،۱،۴. اقتصادی

از آن‌جا که مستضعفان گروهی هستند که در آخر الزمان حاکمیت الهی بر روی زمین را در دست خواهند گرفت (قصص: ۵) و دوران حاکمیت طاغوت و استضعاف مومنان را پایان خواهند داد، لذا لازم است با تجهیز خود در عرصه‌های گوناگون، از این استضعاف خارج شوند.

از عرصه‌های مهمی که مستکبران سعی می‌کنند این گروه را مورد فشار و آزار قرار دهند، تفکر حاکم بر عرصه اقتصادی است. به نظر می‌رسد مستضعفان با تجهیز خود در عرصه اقتصادی می‌توانند از استضعاف خارج شده و به قدرت لازم برای استخلاف و جانشینی بر روی زمین دست یابند. برای خروج از استضعاف در عرصه اقتصادی، چنان‌که بیان خواهد شد، استفاده از مدل و الگو و تفکری که مبتنی بر اقتصاد مقاومتی<sup>۱</sup> است، به دلیل نوع مواجهه‌ای که در این شیوه برای مهار مشکلات پیشنهاد می‌شود، می‌تواند راهگشا باشد. از این مدل می‌توان در شرایط بحرانی و سخت تحریم که از سوی دشمنان تحمیل شده است، برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان به خوبی استفاده برد. همچنین علاوه بر روند رو به رشد اقتصاد در آن، آسیب‌پذیری ارکان اقتصاد در برابر ترفندهای دشمنان کاهش می‌یابد و جوامع اسلامی را در برابر مستکبران، مقاوم و نفوذناپذیر می‌سازد. برای رسیدن به این موقعیت باید اندیشه و تفکر استقلال در عرصه‌های مختلف اقتصادی حاکم شود، تا جایی که به هیچ نیرویی غیر از خدا تکیه نداشته باشند تا آن نیروها بتوانند با فشار

۱. اقتصاد مقاومتی: این نظریه که توسط «مقام معظم رهبری» بیان شده به این معنا است: «اقتصادی که در شرایط فشا، تحریم و در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌ها می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد» (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶). به نظر می‌رسد مستضعفان به دلیل آن‌که همواره در شرایط سخت و دشوار تحریم و دشمنی قرار دارند، می‌توانند از این الگو برای تجهیز نیروهای فعال جامعه استفاده کرده و به هدف نهایی خود برسند.

بر نیروهای مستضعفین، آن‌ها را بیش از پیش ضعیف کنند. بر مبنای تجربه تاریخی، تا زمانی که افراد در عرصه اقتصادی از توانایی‌های لازم برخوردار نباشند، آسیب‌پذیری و فشار بیشتری را متحمل خواهند شد. بر این اساس، استقلال لازم نیز در این زمینه تنها از طریق مقاومت و جهاد به دست خواهد آمد؛ چنان‌که قرآن کریم مومنین را به قیام و جهاد در راه خدا دعوت می‌کند. (صف: ۱۰) همواره قرآن کریم مومنان را به جهاد در راه خداوند فرا می‌خواهد، کما این که می‌فرماید: بگو من شما را فقط به یک حقیقت اندرز می‌دهم این که دو دو و یک یک برای خدا قیام کنید (سبأ: ۴۶) از جمله عرصه‌های جهاد نیز، جهاد اقتصادی است. بنابراین اگر اندیشه حاکم بر اقتصاد، استقامت در برابر مشکلات و صبر در این راه (هود: ۱۱۲، فصلت: ۳۰، شوری: ۱۵)، اجرای عدالت از سوی مردم (حدید: ۲۵)، عدم اعتماد و دوستی با کفار و دشمنان (نساء: ۱۴۱) عدم وابستگی و تعلق به بیگانگان و استکبار جهانی (ممتحنه: ۱) و ایجاد مودت و مهربانی در بین مسلمانان و مصمم بودن در برابر دشمنان (فتح: ۲۹) باشد، می‌توان بر دشمن غلبه کرد. از آن‌چه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت مستضعفان به‌عنوان بخشی از زمینه‌سازان ظهور، با از میان برداشتن موانع در زمینه اقتصادی و حاکم کردن روحیه و تفکر استقلال و اتکا به نیروهای خدادادی، که در نهاد هر انسانی به ودیعه نهاده شده است، از استضعاف خارج شده و خواهند توانست شرایط را برای برپایی حکومت عدل جهانی بقية الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فراهم کنند.

#### ۴،۱،۵. سیاسی

با توجه به مفاد روایات، به نظر می‌رسد که انقلاب اسلامی ایران از جمله حکومت‌هایی به‌شمار می‌رود که در راستای فراهم‌آوردن زمینه‌های لازم برای تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صورت گرفته است. با نگاه به ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران می‌توان چنین بیان کرد مردمی که برای به‌ثمرنشستن این انقلاب تلاش کرده‌اند، مردمی مستضعف به‌شمار می‌رفتند که در سخت‌ترین شرایط و زمان تاریخی قرار داشتند؛ اما با رهبری مردی بزرگ که در روایات نیز به آن اشاره شده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۲۱۶) (به نظر می‌رسد با توجه به مفاد روایات و ویژگی‌های حضرت امام خمینی و انقلاب اسلامی بتوان این انقلاب و رهبر آن را همان چیزی دانست که روایات بیان می‌کنند. همچنین موید این روایات نیز تأییداتی است که در سخنان خود حضرت امام بیان شده است. همچنین، چنان‌که از روایات برمی‌آید و با توجه به آیات

الهی که در هر قیامی، جنگ واقعی از آن اراده هاست، از این رو، مردم ایران با تحمل سختی‌ها و فراهم کردن شرایط لازم برای تحقق وعده الهی مبنی بر پیروزی مستضعفین و استخلاف صالحان بر روی زمین (قصص: ۵) در حال حرکت‌اند؛ تا جایی که با تجهیز مستضعفان در سراسر جهان، زمینه پذیرش حکومت جهانی حضرت را بیش از پیش مهیا می‌کنند، هم چنان که در روایات نیز به این نقش و وظیفه انقلاب اسلامی در آخرین برهه از تاریخ اشاره شده است. (مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۴۳)

#### ۴,۲. نقش شتاب‌زا

بیان شد که مستضعفان آخر الزمانی در تحقق و تشکیل حکومت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف حجّت دارای نقش‌های متعددی هستند. به نظر می‌رسد این نقش‌ها در ادامه و پس از ظهور نیز جریان دارد که به آن از شتاب‌زا تعبیر می‌شود. منظور از نقش شتاب‌زا، مولفه‌هایی است که پس از ظهور حضرت حجّت، در تسریع روند حاکمیت صالحان و برقراری حکومت جهانی ایشان موثر است که می‌توان به اطاعت محض از حضرت و کمک در اداره حکومت اشاره کرد. در حقیقت، مستضعفان آخر الزمانی همچون مسلمانان صدر اسلام که پیامبر را در برپایی تمدن عظیم اسلامی یاری رساندند، از جمله یاران اصلی حضرت حجّت در تشکیل حکومت به‌شمار می‌روند. وظایف مستضعفان در این حوزه عبات است از:

##### ۴,۲,۱. اطاعت و فرمانبرداری محض از امام

از ویژگی‌های یاران امام زمان در عصر ظهور، پیروی محض از آن حضرت است؛ چنان که در برابر ایشان، از برده مطیع نیز فرمانبردارتر هستند. آنان، خدا و خلیفه او را بر خود مقدم می‌دانند و در ولایت‌مداری در راستای سرپیچی از دستورات او قدم بر نمی‌دارند. از این رو است که در روایت چنین توصیف شده‌اند: «هم اطوع من الأمه لسیدها» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۰۷). یاران امام در اطاعت بی‌چون و چیرا از مولای خود کمر بسته‌اند و در جهت رضایت او حرکت می‌کنند و هر آن چه را او بخواهد، حق محض می‌دانند. از این رو، نه از ایشان پیشی می‌گیرند و نه عقب می‌مانند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت مستضعفان که از یاران امام زمان به‌شمار می‌روند، برای حرکت در برقراری حکومت مهدی موعود باید از این ویژگی‌ها برخوردار باشند تا بتوانند حضرت را در این امر خطیر یاری رسانند.

## ۴,۲,۲. کمک به امام در اداره حکومت

اداره سرزمینی به گستردگی دنیا، کار دشواری است که تنها با داشتن رهبری الهی و کارگزارانی دلسوز و معتقد به نظام الهی و حاکمیت اسلام امکان پذیر است (طبری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵) و با توجه به نقشی که مستضعفین در آستانه برپایی حکومت و ظهور دارند، بسیاری از کارگزاران حضرت، مستضعفین هستند. از روایات چنین برمی آید که بار سنگین حکومت و اداره سرزمین های اسلامی را نمی توان بر دوش هر کس نهاد؛ بلکه افرادی باید این مسئولیت را بپذیرند که بارها آزمایش شده و شایستگی خود را به اثبات رسانده باشند. از سویی آیات الهی، استخلاف و جانشینی بر روی زمین را از آن صالحان و مستضعفان می داند (انبیاء: ۱۰۵، قصص: ۵). در روایاتی نیز که در ذیل برخی از آیات (نور: ۵۵) بیان شده، چنین بر می آید که همین مومنان و صالحان هستند که در عصر ظهور، وظیفه پیشبرد اهداف الهی را در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برعهده دارند و این سنت استخلاف که باید در تمام زمین تحقق یابد تنها به عصر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب ایشان قابل تطبیق است. اصحابی که طبق آیات الهی، خداوند در زمان مقرر همه آنان را در کنار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع خواهد کرد (بقره: ۱۴۸) و برپاکننده حق بر روی زمین خواهند بود (حج: ۴۱). همچنین اوصاف آنان در روایات نیز بیان شده است از جمله: شناخت عمیق نسبت به خدا، معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولایتمداری و اطاعت محض، یاری امام حق، سلحشوری و شهادت طلبی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۰۷). اینان با توجه به ویژگی هایی که دارند، نقش مهمی در پیروزی و تداوم حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند داشت.

## نتیجه گیری

از ابتدای تاریخ تا کنون، سنت الهی بر این تعلق گرفته است که همواره دو جریان حق و باطل در ستیزش تاریخی مقابل هم قرار گیرند و تا زمانی که جریان حق از مقاومت و ایستادگی در برابر باطل باز نایستد، خواهد توانست حاکمیت الهی در زمین را به دست گیرد. از ابزارهای اصلی جبهه باطل و مستکبران برای تسلط و حاکمیت بر مستضعفان، احاطه و به بندکشیدن

۱. گرچه از ظاهر آیه چنین چیزی برداشت نمی شود، اما از تأویل آیه و روایاتی که ذیل این آیه بیان شده، می توان به این نتیجه رسید، چنان که در مجمع البیان ج ۱ ص ۴۲۶ ضمن روایتی از امام رضا و در نورالقلین ج ۱، صفحه ۱۳۸ بیان شده است.

فکر و اندیشه آنان است؛ لذا مستضعفان در مقاطع مختلف آخر الزمان (پیشاظهر و پساظهر) می‌توانند در عرصه‌های مختلف فردی (خودسازی و خودآگاهی تمدنی)، فرهنگی (پالایش اندیشه مهدویت از هرگونه خرافات و آسیب)، اقتصادی (به‌کارگیری تفکر اقتصاد مقاومتی برای تجهیز مستضعفان)، اجتماعی (بسیج اراده‌های عمومی) و همراهی و اطاعت از امام زمان خود در پیشبرد و تسریع در حکومت عدل جهانی، نقش ایفا کنند. در نهایت، با خودآگاهی و خلق قدرت انگیزشی می‌توانند در برابر مستکبران ایستادگی کرده و وعده الهی مبنی بر استخلاف و جانشینی در آخرین برهه از تاریخ را که حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام است محقق کنند.

## فهرست منابع

### الف) کتاب‌ها:

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، بی تا، *النهایه فی غریب الحدیث والاثر*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دارالکتب العربی.
۳. ابن فارس، ابی الحسن احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغه*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۴ق، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
۵. انوری، حسن، ۱۳۸۱ش، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.
۶. جعفریان، رسول، ۱۳۸۲ش، *سیره رسول خدا تاریخ سیاسی اسلام*، قم: دلیل ما.
۷. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲ش، *دایره المعارف قرآن کریم*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰ش، *مجموعه مقالات تاریخ اسلام*، قم: دفتر نشر معارف.
۹. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.
۱۰. دشتی، محمد، ۱۳۷۸ش، *ترجمه نهج البلاغه*، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت: دارالقلم.
۱۲. زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۸۱ش، *تاریخ تحلیلی اسلام*، قم: بضعة الرسول.
۱۳. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. شفیع سروسستانی، ابراهیم، ۱۳۸۲ش، *انتظار، بایدها و نبایدها*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۱۵. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۸ش، *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ش، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر انتشارات اسلامی.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۱ش، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: حسین نوری همدانی، تهران: فراهانی.
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵ش، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مترجم: احمد امیری شادمهری، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۲۰. طبسی، نجم الدین، ۱۳۸۰ش، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه، قم: بوستان کتاب.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۴۰۸ق، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، ۱۴۲۵ق، کتاب الغیبه، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۲۳. عرفان، امیر محسن، ۱۳۹۳ش، نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
۲۴. فخرزای، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، العین، قم: نشر هجرت.
۲۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۲ق، قاموس المحيط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵ق، تفسیر صافی، تهران: مکتبه الصدر.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر، قم: موسسه دارالهجره.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.
۳۰. کارگر، رحیم، ۱۳۹۲ش، مهدویت و آینده پژوهی: مجموعه مقالات، قم: پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی.
۳۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، ۱۴۲۳ق، زبده التفاسیر، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. محمد جعفری، رسول، ۱۳۹۴ش، مولفه های شکل گیری عدالت در تمدن نوین اسلامی (مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی)، تهران: انتشارات دانشگاه شاهد.
۳۴. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه، قم: نسل جوان.
۳۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۳۷. منتظرالقائم، اصغر، ۱۳۹۱ش، تمدن سازی نبوی و علوی، اصفهان: انتشارات مرغ آسمان.
۳۸. میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ش، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران: امیرکبیر.
۳۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق.

**ب) مقالات**

۱. سبحانی نیا، محمد تقی، ۱۳۸۸ش، نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه سازی ظهور، فصلنامه مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۱.
۲. صمدی، ۱۳۸۸ش، آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۱۱.